

دین، «عرب» و مسئله‌ی هویت

تأملی انتقادی در سوءفهم‌های تاریخی و برساخت‌های هویتی

این‌که ادیان بزرگ ابراهیمی - یهودیت، مسیحیت و اسلام - در جغرافیای خاورمیانه و در بستر تاریخی جوامعی که امروز عمدتاً با عنوان «عرب» یا «سامی» شناخته می‌شوند شکل گرفته اند، امری است که در تاریخ‌نگاری علمی تردیدی در آن نیست. اما آنچه نیازمند واکاوی جدی است، نه این واقعیت تاریخی، بلکه نحوه‌ی تفسیر و مصرف آن در گفتمان‌های هویتی معاصر است. به ویژه در جایی که «عرب» از یک مفهوم تاریخی - فرهنگی، به یک «دیگری تقلیل‌یافته» تبدیل می‌شود.

در بسیاری از جوامع غربی، مسیحیت - با وجود منشأ خاورمیانه‌ای‌اش - در فرآیندی طولانی از «درونی‌سازی فرهنگی» به بخشی از هویت آن جوامع بدل شده است؛ فرآیندی که در آن، دین از ریشه‌ی جغرافیایی خود جدا نمی‌شود، بلکه در شبکه‌ای از معانی جدید بازتفسیر می‌گردد. به بیان دقیق‌تر، غرب مسیحیت را «بومی‌سازی» کرده، نه آن‌که با منشأ آن وارد تقابل هویتی شود. به همین دلیل، به ندرت می‌توان در این جوامع شاهد آن بود که «عرب» یا «خاورمیانه» به عنوان عامل تبیین‌کننده‌ی کامیابی یا ناکامی تاریخی به کار رود.

در مقابل، در بخشی از گفتمان ایرانی، پدیده‌ای قابل مشاهده است که می‌توان آن را «قوم‌سازی علت» نامید: تمایل به نسبت دادن مجموعه‌ای از مسائل پیچیده‌ی تاریخی، سیاسی و فرهنگی به یک «دیگری واحد» در این‌جا «عرب». در این روایت، «عرب» نه به عنوان یک مجموعه‌ی متکثر از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و تاریخ‌ها، بلکه به مثابه یک کل یکپارچه و علت‌العلل انحطاط یا بحران تعریف می‌شود. این نوع تقلیل، از منظر فلسفه‌ی تاریخ، واجد چندین خطای بنیادین است:

- **نخست، خطای ذات‌گرایی (Essentialism):** فرض بر این گذاشته می‌شود که «عرب» دارای ماهیتی ثابت و تغییرناپذیر است که می‌تواند در طول قرون، منشأ اثرات یکسان باشد. حال آن‌که هرگونه مطالعه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که جوامع عربی همچون هر جامعه‌ی دیگری دستخوش دگرگونی‌های عمیق بوده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به یک جوهر واحد فروکاست.

- **دوم، خطای تک‌علتی (Monocausal Reduction):** مسائل پیچیده‌ی تاریخی - از تحولات سیاسی گرفته تا تغییرات فرهنگی - به یک عامل واحد نسبت داده می‌شوند. این در حالی است که تاریخ، همواره محصول برهم کنش چندین نیروست: ساختارهای قدرت، اقتصاد، فرهنگ، جغرافیا و کنش‌های انسانی.

- سوم، خطای برون‌فکنی مسئولیت (Externalization): در این چارچوب، ناکامی‌ها به «دیگری» نسبت داده می‌شود و بدین‌ترتیب، امکان نقد درونی و بازاندیشی ساختاری تضعیف می‌گردد. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این نوع گفتمان می‌تواند به انسداد یادگیری جمعی منجر شود؛ زیرا جامعه‌ای که علت مسائل خود را در بیرون جست‌وجو می‌کند، کمتر به اصلاح نهادها و الگوهای رفتاری درونی خود می‌پردازد.

در این‌جا، باید به یک تمایز مهم توجه کرد: میان «تاریخ» به‌عنوان یک واقعیت، و «روایت از تاریخ» به‌عنوان یک ساختار معنایی. آنچه در بسیاری از موارد به‌عنوان «حقیقت تاریخی» عرضه می‌شود، در واقع نوعی روایت هویتی است که کارکرد آن، بیش از آن‌که توضیح گذشته باشد، تثبیت یک موضع در حال حاضر است.

در خصوص ادیان نیز، اگر آن‌ها را - بر اساس ادعای درونی‌شان - دارای پیامی جهانی بدانیم، آنگاه نسبت دادن آن‌ها به یک قوم خاص، نوعی تناقض درونی ایجاد می‌کند. پیام‌هایی که مدعی صلح، اخلاق و همزیستی‌اند، نمی‌توانند به‌طور منطقی به مرزهای قومی محدود شوند.

در این‌جا، مفهوم «عرب» باید از یک برچسب هویتی ساده، به یک موضوع تحلیل تاریخی تبدیل شود. «عرب» نه یک واحد یکپارچه، بلکه مجموعه‌ای از سنت‌ها، زبان‌ها و تجربه‌های تاریخی متنوع است. تقلیل این پیچیدگی به یک «دیگری منفی»، بیش از آن‌که به فهم کمک کند، به بازتولید سوءتفاهم می‌انجامد.

از سوی دیگر، تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که هویت‌های ملی و فرهنگی، نه در انزوا، بلکه در تعامل شکل می‌گیرند. ایران نیز، در طول تاریخ خود، درگیر شبکه‌ای از تبادلات فرهنگی با جهان عرب، آسیای میانه، هند و حتی اروپا بوده است. این تعاملات، بخشی از واقعیت تاریخی‌اند و حذف یا انکار آن‌ها، به ساده‌سازی خطرناک تاریخ منجر می‌شود. در نهایت، می‌توان گفت که مسئله‌ی اصلی، نه در «عرب» به‌عنوان یک دیگری، بلکه در نحوه‌ی مواجهه‌ی ما با پیچیدگی‌های تاریخ و هویت خودمان است.

جهان معاصر، بیش از هر زمان دیگری، درهم تنیده و وابسته است. در چنین جهانی، بازگشت به روایت‌های تقابلی ساده‌انگارانه، نه تنها کمکی به فهم نمی‌کند، بلکه می‌تواند مانعی در مسیر توسعه و همگرایی باشد. بنابراین، گذار از این وضعیت، مستلزم بازاندیشی در سطح گفتمان است: حرکت از تقلیل به پیچیدگی،

از سرزنش به تحلیل، و از تقابل به فهم. تنها در چنین افقی است که می‌توان امید داشت هویت، نه به‌عنوان ابزاری برای جدایی، بلکه به‌عنوان بستری برای گفت‌وگو و همزیستی بازتعریف شود.